

### متن پرسش

سلام علیکم استاد: مدتی است دچار شک زیادی شده ام، گاهی احساس می‌کنم مثل سوفسطائیان فکر می‌کنم، همه چیز را رد می‌کنم حتی بدیهیات را در نماز، در حال قرائت و تفکر در قرآن و غیره این سوالات رها نمی‌کند مرا. سوال های کودک ۵ ساله درباره معاد و خدا و... به ذهنم می‌آید و می‌خواهم خودم را با قواعد و معارفی که تا به این سن یاد گرفتم اقناع کنم، می‌خواهم با معرفت نفس و برهان و.. به خودم جواب بدهم، صوت گوش می‌کنم، کتاب می‌خوانم ولی می‌بینم نه انگار یک جای دیگر می‌لنگد و شیطان دست بردار نیست، گویا نوری از وجودم رفته مدام می‌گویم «لا تکنی الی نفسی» مدام توکل می‌کنم و ذکر می‌گویم ولی ته دلم محکم نیست به ذکرهایی که به زبان می‌آورم. لقمه و اعمالم و همنشینانم را تفحص می‌کنم و مدام فکر می‌کنم چه تغییری کرده ام که این حال به سراغم آمده نمی‌فهمم این حال عجیب چیست؟ چه کنم استاد عزیز؟ نگرانم بعد از این شک ها ریب و کفر در دلم بنشیند. متشکرم

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بعد از تعمق در معارفی مانند «معرفت نفس» و «برهان صدیقین» باید به نمادی از دینداری اصیلی که در این زمانه نماد حقیقت این دوران است، نظر کرد که به نظر می‌آید در این زمانه حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه»، راهی گشوده و سرزنده‌ای است. گمان می‌شود کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» بتواند راهگشا باشد. موفق باشید